

سورة الفاتحة

١٣٧٨٤٩



## دانشگاه آزاد اسلامی

واحد شاهرود

دانشکده علوم انسانی، گروه تاریخ

پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد «M.A.»

گرایش: تاریخ ایران دوره اسلامی

عنوان:

پیشگامان تاریخ نگاری ایرانی در سده اول تا پنجم هجری

استاد راهنما:

دکتر محمد نبی سلیم

استاد مشاور:

دکتر مصیب عباسی

نگارش:

فاطمه صبوری قزوینی

۱۳۸۹/۳/۱۷

تابستان ۱۳۸۸

مجلس استادیات دانشگاه آزاد اسلامی  
شهر شاهرود

ب

۱۳۷۸۴۹



دانشگاه آزاد اسلامی واحد شاهرود

## دانشگاه آزاد اسلامی

واحد شاهرود

دانشکده علوم انسانی، گروه تاریخ

پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد «M.A»

گرایش: تاریخ، ایران دوره اسلامی

عنوان:

پیشگامان اندیشمند تاریخ نگار ایرانی تبار در سده اول تا پنجم هجری

نگارش:

فاطمه صبوری قزوینی

تابستان ۱۳۸۸

۱. دکتر مصیب عباسی

۲. دکتر محمد نبی سلیم

۳. دکتر محمد علی علیزاده

هیأت داوران:

## سپاسگزاری:

در به پایان آوردن این رساله، عزیزان و بزرگواران زیادی با قلم، قدم و بیان مرا یاری، تشویق و راهنمایی و حمایت کردند، لذا تنها ذکر نامشان جبران محبت‌هایشان نیست و نخواهد بود. با این وجود بر خود لازم و واجب می‌دانم که از یکایک آنان قدردانی و تشکر نمایم. از استاد محترم جناب آقای دکتر محمدنبی سلیم که سمت استاد راهنمایی این پژوهش بر عهده ایشان بود تشکر و قدردانی می‌نمایم چراکه مرا با راهنمایی‌های مفید و سازنده‌شان در راه نگارش این رساله بسیار یاری رساندند و به کمک ایشان مسیر واقعی پژوهش و تحقیق را در ورای مطالب گنگ و نوشته‌های گاه غرض‌ورزانه‌ی تاریخی آموختم. همچنین از استاد فرزانه جناب آقای دکتر مصیب عباسی که سمت استاد مشاوره رساله من را برعهده داشتند و مرا در این زمینه یاری داده‌اند، تشکر می‌کنم. در اینجا بجاست از استادان ارجمند عالیقدر که در طول دوران تحصیل در مقطع ارشد که از اندیشه، دانش و رفتار ایشان همواره درس گرفتم و بهره‌مند شدم قدردانی نمایم. از آقایان دکتر علیزاده مدیر گروه محترم تاریخ دانشگاه آزاد اسلامی شاهرود و همچنین از جناب دکتر مشعوف و خانم دکتر ادیسی و سایر اساتید محترم صمیمانه قدردانی می‌نمایم.

همچنین سپاسگذارم از استاد داور این رساله که قبول زحمت نموده‌اند و داوری این پژوهش را برعهده گرفتند. و از تمامی این عزیزان و بزرگواران که دلسوزانه مشوق من بودند و خانواده گرامیم خالصانه تشکر می‌کنم و امید دارم در تمام مراحل زندگی‌شان خداوند متعال یار و یاور آنان باشد و موفقیت‌های روز افزونی را در عرصه‌ی علمی و شغلی و ... کسب نمایند.

## تقدیم به

روح بلند پدرم، دستان سخت کوش و قلب مهربان مادرم

## فهرست مطالب

- چکیده ..... ۱
- مقدمه ..... ۲

### فصل اول: کلیات

- ۱-۱ هدف ..... ۹
- ۲-۱ پیشینه تحقیق ..... ۹
- ۳-۱ روش تحقیق ..... ۹

### فصل دوم: مروری بر تاریخ سیاسی ایران در قرون اولیه اسلامی

- ۱-۲ فتح ایران توسط اعراب و چگونگی ورود اسلام به ایران ..... ۱۲
- ۲-۲ نگاهی به پویاها و جنبشهای ایرانیان در قرون اولیه اسلامی ..... ۲۱

### فصل سوم: مبانی و تعاریف علم تاریخنگاری

- ۱-۳ مبانی و تعاریف ..... ۳۸
- ۱-۱-۳ هویت ملی ..... ۴۰
- ۲-۱-۳ هویت ایرانی ..... ۴۱
- ۲-۳ در آمدی بر پاره ای از ویژگیهای تاریخی ایران ..... ۴۲
- ۱-۲-۳ مفهوم شاه از محوریتترین موضوعات در تاریخنگاری ایرانی اسلامی ..... ۴۸
- ۳-۳ تأثیر تاریخنگاری ایرانی بر تاریخنگاری اسلامی ..... ۵۳
- ۱-۳-۳ سالنامه نگاری ..... ۵۴
- ۲-۳-۳ خدای نامک ..... ۵۵

- ۳-۳-۲ دیگر نوشته‌های تاریخی ..... ۵۶
- ۴-۳ مدخلی بر تاریخنگاری ایرانی اسلامی ..... ۵۶
- ۳-۴-۱ زمینه‌های قبل از اسلام: ..... ۵۷
- ۳-۴-۲ عوامل و زمینه‌های عصر اسلامی: ..... ۵۸
- ۳-۴-۳ چگونگی تألیف و نقل مطالب تاریخی در متون اولیه اسلامی ..... ۶۳
- ۴-۴-۳ تاریخنگاری عراق و تأثیر ایرانیان بر آن ..... ۶۴
- ۳-۵-۵ نگاهی بر تاریخ نگاران ایرانی در قرن دوم هجری ..... ۶۷
- ۳-۶-۱ اوهب بن منبه (متوفی ۱۱۴هـ) ..... ۶۷
- ۳-۵-۲ عبدالله بن مقفع (مقتول ۱۴۲هـ) ..... ۷۱

#### فصل چهارم: مورخان ایرانی قرن سوم هجری

- ۴-۱-۱ تاریخنگاران ایرانی تبار قرن سوم هجری ..... ۷۸
- ۴-۱-۱-۱ ابوحنیفه احمد بن داود دینوری ..... ۷۸
- ۴-۱-۲ ابوالحسن مدائنی (متوفی ۲۲۴هـ) ..... ۸۲
- ۴-۱-۳ ابن قتیبه دینوری (۲۱۳-۲۷۶هـ.ق) ..... ۸۷
- ۴-۱-۴ بلاذری، احمد بن یحیی بن جابر (متوفی ۲۷۹هـ) ..... ۱۰۱
- ۴-۱-۵ یعقوبی ..... ۱۱۵
- ۴-۱-۶ طبری ..... ۱۲۱

#### فصل پنجم: تاریخ نگاران ایرانی قرن چهارم

- ۵-۱-۱ گردیزی ..... ۱۳۸

- ۲-۵ بیهقی و احوال و آثار..... ۱۴۱
- ۱-۲-۵ مقایسه اجمالی روش تاریخنگاری بیهقی با روش تاریخنگاری گردیزی..... ۱۴۴
- ۳-۵ تاریخ یمنی (یا تاریخ عُتبی)،..... ۱۵۰
- ۴-۵ حمزه اصفهانی..... ۱۵۳
- ۱-۴-۵ کتاب سنی ملوک الارض و الانبیاء یا تواریخ کبار الامم..... ۱۵۴
- ۲-۴-۵ ساختار کتاب سنی ملوک الارض و الانبیاء (تاریخ الامم)..... ۱۵۷
- ۲-۴-۵ نگاهی کوتاه به دیدگاه های مؤلف..... ۱۵۸
- ۴-۴-۵ منابع کتاب سنی ملوک الارض و الانبیاء (تاریخ الامم)..... ۱۶۱
- ۵-۵ نگاهی به جریان تاریخ نگاری از سده سوم تا هفتم..... ۱۶۷

#### فصل ششم: نتیجه گیری

- نتیجه گیری..... ۱۷۲
- منابع و مآخذ..... ۱۷۷
- چکیده انگلیسی..... ۱۹۰



## چکیده

درباره ی سهم و تأثیر میراث ایران پیش از اسلام در شکل گیری و تکوین تاریخنگاری اسلامی همواره مناقشات بسیاری در جریان بوده است. برخی چون عبدالحسین زرین کوب بر این عقیده اند که نخستین سرمشق مسلمین در تاریخنگاری خداینامه ها بوده اند. حتی اسلام شناس مجاری گلذیهر هم در اظهار نظری قاطعانه مصر است که «تاریخ نگاری عربی ریشه در گاهنامه های شاهان ایران دارد.

مورخان مسلمان ایرانی تمامی هم و غم خود را معطوف به همراهی با جریان نوپا اما گسترده ی تاریخ نگاری اسلامی و اعتلای آن نمودند و با تکیه بر میراث باستانی خویش بر غنا و سنت تاریخ نویسی اسلامی افزودند. اگرچه ایرانیان تا سده ی پنجم هجری هیچ جریان و سبک مستقلی را در تاریخ نگاری اسلامی پدید نیاوردند اما ابتکارات و بدعت های آنان را که موجب شکوفایی و رونق سنن عربی-اسلامی گردید هرگز نمی توان انکار کرد. در این راستا مورخان ایرانی هر یک شیوه و روال متفاوتی را در پیش گرفتند. برخی مانند یعقوبی و طبری یکسره احساسات و دغدغه های ملی و ایرانی خود را به کنار نهاده و تماما در بینش عربی و اسلامی مستحیل شدند و کسانی چون ابوحنیفه دینوری و حمزه اصفهانی در ابراز احساسات و گرایش های وطن پرستانه ی خود چنان بی پروا بودند که به شعوبی گری متهم شدند.

دستاوردهای مورخان ایرانی تنها به همین فقره خلاصه نمی شود. آنان هم در زمینه ی فنون و سبک های تاریخ نویسی و هم در زمینه ی گردآوری داده ها و مواد خام تاریخی ارزنده در زمینه های گوناگون، و خدمات شایان توجهی به تاریخ نگاری اسلامی نمودند. از جمله مهمترین این مورخان می توان به طبری، یعقوبی، دینوری، بلاذری و... اشاره کرد که هر کدام سهم بسزایی در اعتلای تاریخنگاری ایرانی اسلامی داشته اند. هدف در این رساله شناساندن مورخان ایرانی قرون اولیه و نقش آنها در تدوین نگارش تاریخ بوده است. و روش اجرا نیز روش مرسوم کتابخانه ایی و فیش برداری و تدوین مطالب بوده است.

**کلید واژه:** تاریخ ، تاریخنگاری، مورخ، ایرانی، اسلامی،

مدخل

واژه تاریخ از ریشه سامی گرفته شده، به معنی کره ماه یا ماه به معنی گردش آن آمده است. این واژه در زبان اکدی «ارخو» و در عبری «یرخ» و در عربی «تاریخ» استعمال شده است.

به نظر می رسد، اعراب آن را به عنوان تعبیری فنی استعمال کرده باشند. احتمال این که این لغت بنا به نظر پاره ای از محققان از زبان حبشی وارد عربی شده باشد، به دلیل فقدان اصل آن در این زبان، ضعیف به نظر می رسد. پاره ای از پژوهشگران برآنند که این واژه از عربستان جنوبی (یمن) وارد زبان عربی شده، شکل فرضی و اصلی آن توریخ بوده است. ابو ریحان بیرونی و حمزه اصفهانی بر این باورند که این کلمه از ماهروز (ماه + روز) فارسی وارد زبان عربی شده است.

با عنایت به آن چه درباره واژه تاریخ بیان شد، در میراث اسلامی، تاریخ دارای شش معنی است:

۱. سیر زمان و حوادث به معنی تطور تاریخی معادل «The history of» انگلیسی که مراد از آن مفهوم، تاریخ اسلام، تاریخ ایران است.

۲. مرزبندی زمان حادثه بر حسب روز، ماه و سال معادل «The date»

۳. علم التاریخ و تعریف آن، کتب تاریخی و فهم آن چه در آن آمده است، معادل «The history».

۴. تدوین تاریخ، توصیف تطوّر تاریخی و تحلیل آن «Historiography».

۵. تاریخ رجال و تراجم، معادل «The biography».

۶. میراث اقوام و امتهای و بیان شمایل اصلی آنان، آن سان که گویند: «فلان تاریخ قومه» فلان کس در علم، جود، سیاست، حلم، فداکاری، بیان شمایل، تبلور تجسم ملت خود است.

معنای اصطلاحی تاریخ اصطلاحاً به معنی، «تعیین وقت» و «وقت شناسی» است. هگل، تاریخ را حیات بشر در امتداد زمان بر روی زمین می داند. در معانی تکامل یافته تری که از تاریخ به دست آمده، تاریخ به معنای توصیف ادبی هرگونه فعالیت انسانی است که فرداً یا جمعاً رخ داده باشد. به بیان دیگر، تاریخ عبارت است از آن چه که در رشد و تطور فرد و جامعه پدیدار می شود و در ارتقا و توسعه آن نقش دارد. با این تعریف تخصصی، تاریخ به معنای دقیق کلمه،

موضوع پژوهش علمی است. اگر چه تاریخ نگاری اسلامی با اسلام آغاز شد ولی جستجو در منشا تاریخ نگاری اسلامی با توجه به استمرار و تبادل فرهنگها ایجاب می‌کند که به میراث پیش از اسلام در این باب نیز توجه کنیم تا دانسته شود اگر این میراث در نشأت تاریخ نگاری عصر اسلامی تاثیر داشته ، دامنه این تاثیر تا چه حد گسترده بوده و از چه راههایی نفوذ کرده است.

این بررسی را بویژه باید از میراث فرهنگی عرب پیش از اسلام آغاز کرد که طبیعتا با عصر اسلامی پیوندی بی واسطه داشته و بعضی از جنبه‌های تاریخ نگاری اسلامی را اساسا متأثر از آن دانسته‌اند. این میراث در دو مقوله ایام و انساب عرب که مضمون اصلی فرهنگ پیش از اسلام را در عربستان تشکیل می‌داد و نیز آنچه در تواریخ و اسناد دولتهای حیره و یمن نقل شده قابل بررسی است.

ایام و انساب عرب را می‌توان آغاز نوعی روش روایی در تاریخ نگاری اسلامی بشمار آورد که در مکتب تاریخ نگاری عراق ، خاصه در روایات فتوح تاثیر بسیار برجا گذاشت. آنچه از تواریخ دولتهای یمن و حیره به دوره اسلامی راه یافت، دارای نشانه‌های دیگری است. گر چه امروزه مدارک چندانی از اخلاص این دولتها ، خاصه از یمن در دست نداریم و به سبب کمبود منابع و مستندات ، ارزیابی تاریخ اخبار ، دشوار است. چنین می‌نماید که این روایات تا حدی متکی بر اسناد و انساب دولتی یا خانوادگی بوده است.

آشکار است که منشا دسته‌ایی از علوم رایج در تمدن اسلامی دانشهای یونانی بوده ، ولی به دشواری می‌توان در زمینه تاریخ و تاریخ نگاری تاثیر و نفوذی بر تمدن یونانی قائل گردید. زیرا تا آنجا که از منابع بر می‌آید کتابهای تاریخی و ادبیات سالنامه‌ای یونانی بدست مسلمانان نرسید یا لاقلا به عربی ترجمه نشد. به اعتقاد یکی از مورخین مسلمانان آن دسته از علوم یونانی را که یونانی‌ها خود بدانها توجه داشتند، برگرفته و ترجمه کردند و از آنها بهره جستند، تاریخ ظاهرا جزو آن علوم نبوده است. زیرا در طبقه بندی علمی که از یونانی‌ها اخذ شده از تاریخ به عنوان علم یاد نشده است.

در بسیاری از آیات قرآنی اشاراتی متعدد به انبیا و اقوام پیشین شده است. از جمله این اقوام یهودیان و دوران عهد عتیق بوده است. چنین می‌نماید که استفاده از روایات یهودی که اصطلاحا آنرا اسرائیلیات می‌نامند از ایام خود پیامبر رواج یافته بوده است. زیرا «بخاری» حدیثی از پیامبر نقل کرده که استفاده از اخبار بنی‌اسرائیل را جایز شمرده است. عهد عتیق از دیدگاه دیگری نیز در تاریخ نگاری اسلامی قابل توجه است، زیرا بررسی ادب الایام مذکور در عتیق می‌تواند از جمله راههای بررسی چگونگی نقل و ضبط ایام العرب به شمار رود که بزرگترین محصول فرهنگی عرب

پیش از اسلام بوده است. درباره ارتباط مسلمانان با تاریخ نگاری مسیحی اطلاعات بیشتری نسبت به تاثیر یونانیان در دست است. غیر از استفاده برخی از مورخان، از روایات صرفاً مسیحی، چنین می‌نماید که برخی از آثار سریانی و بیزانسی از طریق مسیحیان وارد جهان اسلام شد. مثلاً گفته شده است که مسلمانان از کتب کسانی چون، یوسیبوس «Eusebius» و آندرو نیکوس «Andronicus» بهره برده‌اند. عده‌ای را عقیده بر این است که تحول تاریخ نگاری اسلامی از شنل «اخبار» و روایات متعدد درباره یک واقعه به صورت تاریخ نگاری ترکیبی ناشی از تاثیر تاریخ نگاری کهن‌تر بویژه سریانی بوده است.

منشا اصلی تاریخ نگاری اسلامی برای پژوهش و تدوین تاریخ همانا خود اسلام بود که از شعور نیرومند تاریخی برخوردار است. اسلام تمام بنیادهای وجود تاریخی انسان را نشان می‌دهد و مورخ را وامی‌دارد تا اصول تاریخی نگری را از آن در یابد و راههای تعلیل تاریخ را از قرآن و سنت بجوید که میان عمل دینی و دینوی تفاوتی قائل نیست. این دین اسلام بود که نه تنها به مسلمانان احساس تاریخی بخشید بلکه باید گفت هر حادثه‌ای در اسلام به رغم اختلاف زمان و مکان حوادث یا از اسلام نشات گرفته یا به طریقی بدان وابسته است.

در قرن اول اسلامی تلاش‌های زیادی در خصوص نقل و (شاید ضبط) روایات صورت نگرفته، لیکن در قرن دوم اسلامی بود که انبوهی از روایات به صورت تألیف منظم یا پراکنده به وجود آمدند در موضوعات سیره و مغازی، انساب عرب، ایام العرب، فتوح قیام‌ها، جنگها و... بودند به راستی تعداد اخباریان قرن دوم که کتاب‌ها و تک نگاری‌های فراوان و متنوعی به آنها منسوب گشته خود مایه حیرت و تعجب است به طوری که تنها از چهار اخباری قرن دوم و اوایل قرن سوم یعنی ابومخنف (متوفی ۱۵۷هـ) هشام بن محمد کلبی (متوفی ۲۰۴) و اقدی متوفی (۲۰۷هـ) و هیثم بن عدی (متوفی ۲۰۷هـ) در مجموع حدود ۲۰۰ اثر در زمینه‌های مختلف وجود داشته است که علاوه بر اخبار، انساب، وقایع، ایام العرب، سیره و مغازی، فتوحات و... به تمام زوایای زندگی اجتماعی، فرهنگی و خانوادگی نیز توجه شده است و نگاهی به فهرست آثارشان می‌تواند نشان از علاقمندی آنها به احوال و اوضاع جامعه باشد. در این فصل تلاش خواهد شد که دو نفر از اخباریان قرن دوم یعنی وهب بن منبه و ابن مقفع که ایرانی و ایرانی تبار هستند معرفی شوند وجه مشترک این دو نفر آن است که هر دو در موضوعات تاریخ اسلام تلاش نکردند بلکه فعالیت آن دو در زمینه‌های قبل از اسلام بود وهب بیشتر به نقل روایات درباره آغاز خلقت و قصص الانبیاء همت گماشت و ابن مقفع در

تاریخننگاری بیشتر از آن جهت مورد توجه است که ناقل و مترجم کتاب هایی چون خداینامه است که در خصوص ایرانیان قبل از اسلام می باشد.

### سؤال اصلی

چه نقشی را برای مورخان ایرانی تبار قرون اولیه در اعتلا و گسترش تاریخنگاری اسلامی می توان متصور شد؟

### سؤالات فرعی

۱. مفهوم هویت و در نگرشی جزئی تر هویت ملی چه ارتباطی با تاریخنگاری میتواند داشته باشد؟
۲. تأثیر تاریخنگاری ایرانی بر تاریخنگاری اسلامی را در چه مواردی میتوان برشمرد؟
۳. مهمترین تاریخنگاران ایرانی تبار قرون دوم . سوم . چهارم هجری شامل چه اشخاص با چه ویژگی هایی میباشد؟

### فرضیات

اما فرضیات شکل گرفته در جریان پژوهش را میتوان در این موارد برشمرد:

۱. مفهوم تاریخی هویت ایرانی در نهضت های قومی، سیاسی و دینی دوران ساسانیان شکل گرفت و در دوران اسلامی با فراز و نشیب هایی پایدار ماند. این مفهوم ارتباط مستقیم و تنگاتنگی با جریان تاریخنگاری داشته که همچون آینه ای منعکس کنند رویدادها و رخدادهایی میباشد که زیربنای آن هویت ملی است.
۲. رویکرد برخی از مورخان ایرانی در دوره اسلامی، خصوصاً طبری (۳۱۰ هـ)، به تاریخنگاری سنواتی یا سالنامه نگاری، متأثر از شیوه تاریخنگای ایرانی است. این اثرپذیری، عمدتاً در دو چیز خلاصه می شود: یکی در شیوه سالنامه نویسی و دیگری در طرح مسأله زمان و عمر آفرینش. ناگفته نماند که در مسأله اخیر، ممکن است مورخان اسلامی از بینش سامی نیز بهره برده باشند؛ چه هم در مذهب یهود که عربها از قدیم الایام با آن آشنا بوده اند و هم در مذهب زرتشت، مسأله زمان و عمر گیتی به نوع خاصی طرح شده است. اما در مسأله اول، تأثیر شیوه ایرانی

مشهود است؛ زیرا دست کم در قسمت‌های مرکزی جزیره‌العرب، تا پیش از برقراری تاریخ هجری در سال ۱۷۰هـ ق در عهد خلیفه دوم، گاهشماری مشترک و منظمی وجود نداشته و اساس گاهشماری اعراب عصر جاهلی را برخی وقایع مهم - و متغیر - شکل می‌داده است.

۳. تاریخنگاران ایرانی تبار در ابتدای قرون اسلامی شامل: عبدالله بن مقفع، وهب بن منبه، ابوالحسن مدائنی، ابوحنیفه احمد بن داود دینوری، ابن قتیبه دینوری بلاذری، طبری، یعقوبی، گردیزی، بیهقی، حمزه اصفهانی می‌گردد که نخستین تواریخ عمومی توسط این اشخاص به رشته تحریر در آمد که خود الگویی جهت پدید آمدن سایر تواریخ گردید و البته از منابع بسیار مستند و کاربردی به شمار آمد که پژوهشگران اسلامی از این تواریخ مکرر استفاده و استناد نمودند.

### ساختار رساله

این رساله درشش فصل تدوین گردیده است: فصل اول اختصاص به کلیات پژوهش دارد در فصل دوم به چگونگی فتح ایران توسط اعراب اشاره رفته است و نگاهی کوتاه نیز به برخی از پویشها و جنبشهای ایرانیان در قرون اولیه انداخته شده است که انعکاس آن در تواریخ متعدد ذکر گردیده است.

فصل سوم شامل مباحثی چون مبانی و تعاریف مربوط به تاریخنگاری، و بررسی هویت ایرانیان و تاثیر تاریخنگاری ایرانی بر تاریخنگاری اسلامی و همچنین مدخلی بر تاریخنگاری ایرانی و اسلامی و نگاهی بر تاریخ نگاران ایرانی قرن دوم هجری می باشد.

در فصل چهارم نیز تاریخنگاران قرن سوم و زندگینامه و آثار و اساتید و برخی تاثیراتی که این تاریخنگاران بر دیگران گذاشته اند مورد بحث و بررسی قرار گرفته است.

فصل پنجم نیز مربوط می شود به احوال و آثار و تالیفات تاریخنگاران قرن چهارم از قبیل گردیزی، بیهقی، عتبی و حمزه اصفهانی و...

و فصل ششم که فصل پایانی این رساله است مربوط به نتیجه گیری و جمع بندی این پژوهش می باشد.

## موانع تحقیق

در گردآوری اطلاعات و تدوین این پایان نامه مشکلات فراوانی وجود داشته از جمله در دسترس نبودن منابع و مأخذ در محدوده زمانی مورد بحث و عدم همکاری کتابخانه‌های دولتی و ضعف کتابخانه‌های شهرستان که به نوعی باعث طولانی شدن مدت شناخت منابع و مأخذ تا زمان نگارش پایان نامه شد، و همچنین وجود آرا و عقاید متفاوت و ناهمگون که پژوهشگر را در درک برخی از رویدادها دچار تردید و تشکیک می نماید. و گستردگی موضوع و شاغل بودن و ... که نگارنده را با مشکلاتی مواجه می ساخت.

فصل اول:

## کلیات



## ۱-۱ هدف

هدف در این پژوهش بررسی نقش پیشگامان ایرانی تاریخنگار در عرصه ثبت و ضبط وقایع و رخدادها به همراه نو آوریهای شکل گرفته در این میان میباشد.

## ۲-۱ پیشینه تحقیق

مهمترین آثار نگاشته شده در این حوزه شامل موارد اندکی میگردد که از این میان می توان به این آثار اشاره کرد: روزنتال، فرانتس، تاریخ تاریخ نگاری در اسلام، ترجمه اسدالله آزاد و ، سید صادق و هادی عالم زاده، تاریخنگاری در اسلام همینطور صفا، ذبیح الله، تاریخ ادبیات ایران همینطور مصاحب، غلامحسین و گروهی از دانشمندان، دایره المعارف بزرگ فارسی و میراحمدی، مریم، کتابشناسی تاریخ ایران در دوران باستان و آژند؛ یعقوب ، تاریخنگاری در اسلام و آینه وند، صادق، علم تاریخ در گستره ی تمدن اسلامی و آینه وند، صادق، علم در تاریخ اسلام و ادکایی؛ پرویز؛ تاریخنگاران ایران و اشپولر، برتولد، تکامل تاریخ نگاری در ایران و باسورث، نقش ایرانیان در تاریخ نگاری اسلامی دوران پیش از مغول وده ها اثر دیگر.

## ۳-۱ روش تحقیق

روش تحقیق در این پژوهش روش معمول کتابخانه است که از روش های پژوهش و تحقیق در علوم انسانی به شمار می آید در این روش محقق بیشتر اطلاعات خود را از طریق مطالعات کتابخانه ای و فیش برداری از آنها به دست می آورد و سپس به تجزیه و تحلیل اطلاعات به دست آمده می پردازد. نگارنده تحقیق ابتدا به پیروی از روش تحقیق

تاریخی ابتدا برای روشن شدن زوایای مختلف این پژوهش از منابع دست اول و دوم به جستجو پرداخته و پس از جمع آوری اطلاعات از منابع مذکور به تجزیه و تحلیل داده ها پرداخته که حاصل تدوین و نگارش این اثر حاضر است.

فصل دوم:

مروری بر تاریخ سیاسی ایران

در قرون اولیه اسلامی

## ۲-۱ فتح ایران توسط اعراب و چگونگی ورود اسلام به ایران

وقتی عمر بن خطاب - خلیفه ی دوم - اهل مدینه را به کار عراق تحریک کرد وعده ی پیروزی و غنیمت داد مردم در قبول این جنگ در تردید بودند به سبب وحشت از مقابله با ایرانیها. خلیفه در خطبه ایی که خواند گفت که خداوند مسلمانان را وعده ملک قیصران و گنج خسروان داده است برخیزید و جنگ با ایران را ساز کنید. مردم چون اسم ایران را شنیدند ساکت شدند و کسی داوطلب نشد.

می گویند در این حال مثنی برای مردم صحبت کرد: ضعف و فتوری را که در کار ایرانیها پیش آمده بود بیان داشت، و جنگ با ایران را آسان و خوارمایه فرا نمود. خلیفه هم تاییدها کرد و وعده های خوب داد. با این همه چند روز طول کشید تا عده ایی برای این اقدام آماده شوند و ابوعبید بن مسعود ثقفی که برای این کار شور و شوقی نشان می داد در راس این عده قرار گرفت. یاران ابوعبید مخصوصاً در اوایل کار محدود بود - تقریباً هزار نفر - و هر چند در طول راه هم کسانی به او پیوستند لیکن جنگ خطیر بود و داوطلب کم.

وقتی ابوعبید به عراق رسید یک چند در حیره آسوده و در چند زد و خورد هم که کرد ظفر یافت و از غارت غنیمتها به دست آورد. لیکن در محلی به نام قس الناطف نزدیک محل کنونی کوفه با بهمن جادویه برخورد کرد، سردار و مرزبان ایرانی، محل تلاقی کرانه ی غربی فرات بود جایی که جسری بر فرات زده بودند. ابوعبید از جسر گذشت و در آن سوی جسر بین دو لشکر جنگی سخت در گرفت. در لشکر بهمن فیلی چند بود و دیدار مهیب آنها اسبان تازی را می رمانید. ابوعبید یاران را واداشت تا به فیلان حمله برند و